

بررسی مولفه‌های رشد شخصیت و شخصیت متعالی در منظومه هفت پیکر نظامی بر مبنای نظریه اریک فروم

ساغر شایگان، پرنوش پژوهش^{*}، شهین اوجاق علیزاده

گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد رودهن، دانشگاه آزاد اسلامی، رودهن، ایران.

سال هجدهم، شماره چهارم، تیر ۱۴۰۴، شماره پی در پی ۱۱۰، صص ۹۳-۱۱۰

DOI: <http://10.22034/bahareadab.2025.18.7846>

نشریه علمی سبک شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب سابق)

چکیده:

زمینه و هدف: کمال طلبی، تعالی و رشد شخصیتی از حیطه‌های مورد مطالعه در علم روانشناسی نوین است که در نظریات اریک فروم روانشناس شهیر آلمانی و از پایه‌گذاران روانشناسی اجتماعی در مکتب فراکفورت، بصورت همه جانبه‌ای مورد توجه قرار گرفته است. در پژوهش پیش رو بر آنیم تا بر اساس تحلیل روانشناسانه بر اساس نظریه اریک فروم در خصوص تعالی و کمال شخصیت، منظومه هفت پیکر نظامی را مطالعه نماییم و نمودهای تعالیافتن و کمال در مراحل سیر و سلوک بهرام از ابتدا تا پایان داستان را بررسی و ارزیابی نماییم.

روش پژوهش: روش پژوهش در این مقاله توصیفی - تحلیلی مبنای مطالعات کتابخانه‌ای و بهره‌گیری از نقد روانشناسی نوین با تکیه بر نظریات اریک فروم می‌باشد. جامعه مورد مطالعه، منظومه هفت پیکر نظامی به تصحیح حسن وحید دستگردی است.

یافته‌های پژوهش: یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که شخصیت بهرام در هفت پیکر از نظر روانشناسی اریک فروم کاملاً قابل تحلیل و ارزیابی است. در نظریه اریک فروم تعالی کمال و رشد شخصیت در ارتباط با مقوله عشق و تلاش برای جستجوی هویت مطرح شده است که قابل انطباق با داستان سیر و سلوک بهرام در هفت پیکر است.

نتایج پژوهش: با تحلیل و بررسی هفت پیکر نظامی و شخصیت بهرام و مبنا قرار دادن نظریه اریک فروم در خصوص رشد و تعالی شخصیت و کمال طلبی در می‌یابیم که مهمترین مراحل رشد شخصیت بهرام در هفت پیکر دستیابی به نمودی از یک انسان و پادشاه کامل است که با عدل و داد بر ایران زمین حکومت کند. این شخصیت از نظر فروم نموداری از انسان کامل است که بر پایه عشق (در ابتدا عشق به میهن و کشور) تاج شاهی را از میان دو شیر بچنگ می‌آورد و بر موانع غلبه میکند و با گذار از هفت گنبد، در دایره سرنوشت بخش تاریک وجود خویش را در غاری می‌نهد و خود چون دودی ناپدید میشود و در چرخه تعالی بعنوان انسانی کامل منطبق با نظر فروم به کمال حقیقی دست می‌یابد.

تاریخ دریافت: ۱۸ آذر ۱۴۰۳

تاریخ داوری: ۲۰ دی ۱۴۰۳

تاریخ اصلاح: ۰۵ بهمن ۱۴۰۳

تاریخ پذیرش: ۱۹ اسفند ۱۴۰۳

کلمات کلیدی:

اریک فروم، هفت پیکر نظامی گنجوی، بهرام، نظریه رشد شخصیت، شخصیت متعالی.

* نویسنده مسئول:

pajouheshp@riau.ac.ir

۰۱۵ ۷۶۵۰۵۰ (۲۱ ۹۸+)



ORIGINAL RESEARCH ARTICLE

Studying the components of personality development and transcendent personality in the Haft paykar by Nizami Ganjavi based on Erich Fromm's theory.

S. Shaygan, P. Pajouhesh*, S. Ojagh Alizadeh

Department of Persian Language and Literature, Roudehen Branch, Islamic Azad University, Roudehen, Iran.

ARTICLE INFO

Article History:

Received: 08 December 2024

Reviewed: 09 January 2025

Revised: 24 January 2025

Accepted: 09 March 2025

KEYWORDS

Erich Fromm Haft paykar by Nizami Ganjavi. Bahram. Personality Growth Theory. Transcendent Personality.

*Corresponding Author

✉ pajouheshp@riau.ac.ir

☎ (+98 21) 76505015

ABSTRACT

BACKGROUND AND OBJECTIVES: Perfectionism, transcendence, and personality development are areas of study in modern psychology that have been comprehensively considered in the theories of Erich Fromm, a famous German psychologist and one of the founders of social psychology in the Frankfurt School. In the present study, we aim to study the poem Haft Paykar by Nizami Ganjavi based on psychological analysis based on Erich Fromm's theory of transcendence and perfection of personality and to examine and evaluate the manifestations of transcendence and perfection in the stages of Bahram's journey from the beginning to the end of the story.

METHODOLOGY: The research method in this descriptive-analytical article is based on library studies and the use of modern psychological criticism based on Erich Fromm's theories. The population under study is the Haft Paykar by Nizami Ganjavi edited by Hassan Vahid Dastgerdi.

FINDINGS: The research findings show that the character of Bahram in Haft Peykar by Nizami Ganjavi can be completely analyzed and evaluated from the perspective of Erich Fromm's psychology. In Erich Fromm's theory, the transcendence of perfection and the growth of personality are discussed in connection with the category of love and the effort to search for identity, which is compatible with the story of Bahram's journey in Haft Peykar.

CONCLUSION: By analyzing and examining the Haft Paykar by Nizami Ganjavi the personality of Bahram and basing it on Erich Fromm's theory of personality growth and transcendence and perfectionism, we find that the most important stages of Bahram's personality growth in the seven figures are achieving the appearance of a perfect human being and king who rules Iran with justice and fairness. According to Fromm, this character is a diagram of a perfect human being who, based on love (initially love for the homeland and country), snatches the royal crown from two lions and overcomes obstacles. By passing through the seven domes, in the circle of fate, he places the dark part of his existence in a cave and disappears like smoke and achieves true perfection in the cycle of transcendence as a perfect human being in accordance with Fromm's view.

DOI: <http://10.22034/bahareadab.2025.18.7846>

NUMBER OF REFERENCES	NUMBER OF TABLES	NUMBER OF FIGURES
 27	 0	 2

مقدمه

قرن بیستم را میتوان دوران تکوین مطالعات بینارشته‌ای بشمار آورد؛ چرا که در این قرن اندک اندک بر تعداد مطالعات بینارشته‌ای افزوده شد و دانش و معرفت بشری از ساحت مطالعات تک بعدی خارج شد و بمانند شبکه‌ای پویا و در حال تعامل با سایر رشته‌ها بحرکت خویش ادامه داد. «نیازهای جهان معاصر، افزایش رشته‌های دانشگاهی و تاسیس و پایه گذاری مطالعات بینارشته‌ای بمثابة یک علم این حقیقت را جلوه‌گر شد که نوآوری و پیشرفت جوامع و علوم، در گرو توجه همه جانبه به مرزهای دانش است. «میان رشتگی با کمرنگ ساختن مرزهای موجود بین رشته‌های علمی، به افزایش ارتباط میان آنها و باروری و شکوفایی متقابلشان مدد میرساند» (دهشیری، ۱۳۸۸: ص ۱۵). «امروزه مطالعات میان رشته‌ای، امری ضروری و ناگزیر است و در نگاه برخی محققان، یونان خاستگاه این مطالعات است. دادوستدهای فکری و فرهنگی و نیز شعبه‌های مختلف علوم انسانی با دنیای ادبیات و هنر، جانی تازه به پیکره پژوهشهای ادبی، فرهنگی و هنری داده است. ادبیات دارای قلمروهای وسیع و مشتمل بر موضوعات گوناگونی است که با دانشهای متعددی در ارتباط است از جمله با دانش روانشناسی» (سپهدار و دیگران، ۱۴۰۲: ص ۱۳۹). فهم جنبه‌های پنهان روحی و هدفمند متون و آثار کهن ادبی و درک ارزشها و معانی لفافه مانده این آثار به جهت انعکاس شاخصه‌های روانشناسی از اهمیتی انکارناپذیر برخوردار است. بسیاری از شاخه‌های علم و دانش به اقتضا و شرایط بالتدگی خود طی سالها اندک اندک حوزه‌های دیگر دانش نیز راه نفوذ یافته و مطالعات بین رشته‌ای زاییده نیاز آدمی بمنظور فهم واقعیتی است که دیگر در قالب و محتوای رشته‌های معمول و مرسوم یا جایی نمیگردد و یا مطالعه آنها نیازمند ابزارهای دیگری از سایر علوم است؛ گرچه نمیتوان شعر را بعنوان بخشی از علم در معنای رایج و مصطلح آن بشمار آورد اما شعر در قالب یک رویکرد فرهنگی از دیربازترین و کهنترین گونه‌های کنش رفتاری بشر و نمود معرفت و فرهنگ است که در بسیاری از مواقع، بخش بزرگی از دانش و تمدن بشری را در خود منعکس داشته است. شعر مرزهای مشترکی با بسیاری از دانشها و علوم داشته و دارد و قدر مسلم آنکه شعر از مظاهر بسیار کهن و غنی هنر بشری و حتی پیش از آنکه بشر، خط بیاموزد و بتواند به ثبت و ضبط وقایع بپردازد، الفاظ موزون و قطعات زیبا و گوشنواز وجود داشته است (ر.ک شاه‌حسینی، ۱۳۵۰: ص ۱۵۲). روانشناسی و توجه به سرشت و ماهیت روحی انسان و مطالعه شخصیت و تحلیل نقش آن در ارتقا و تعالی انسان یکی از علوم بسیار عمیق و پردامنه است که بویژه در چند دهه اخیر در حیطه مطالعات بین رشته‌ای بسیار مورد توجه قرار گرفته و پیوند آن با شعر، بعنوان یک نیاز عصرهای تجلی روحیات بشری انکارناشدنی است. شناخت انسان، توجه به مؤلفه‌های رشد و تعالی شخصیت وی در پرتو عشق از مهمترین محورهای نظری روانکاوی اریک فروم است؛ این مسأله که انسان برای دستیابی به تعالی ابتدا باید درک درستی از روحیات خویش داشته باشد تا بتواند به رشد شخصیت دست یابد.

نظامی یکی از برجسته‌ترین داستان‌پردازان در ادب فارسی است و هفت پیکر، چهارمین منظومه از مثنویهای پنجگانه وی است که در آن ماجرای بهرام پنجم ساسانی معروف به بهرام گور بنظم درآمده است. از دیدگاه مایکل بری، هفت پیکر فرصتی است برای نشان دادن مراحل سیر و سلوک روانی و تعالی شخصیت بهرام که در قالب قصه‌هایی که دختران در هفت روز برای او حکایت میکنند، متجلی میشود (۱۳۸۵: ص ۲۸). گرچه در نگاه اول ساختار این قصه‌ها از یکدیگر متفاوت و متمایز است اما همه آنان چونان رشته‌هایی در هم تنیده شده و مراحل دگرگونی و تحول روحی بهرام را نشان میدهند. برشمردن ویژگیهاییک شخصیت متعالی در اثری چون هفت پیکر، تلاشی است در جهت بازنمایی قدرت و توانمندی استادانه، ظریف و معنادار نظامی در توجه به گزاره‌ها و مؤلفه‌های

روحی بشر در قالب شخصیتها و قهرمانان داستان. این پژوهش در پی پاسخ دادن به این پرسشهای اساسی است که برجسته‌ترین مؤلفه و عناصر رشد و تعالی شخصیت در رفتار قهرمان اصلی داستان هفت پیکر نظامی یعنی بهرام، چیست و شاعر چگونه این مؤلفه‌ها را بتصور کشیده است و تاثیر آن بر محتوای داستان چگونه می‌باشد؟

ضرورت و اهمیت پژوهش

بررسی آثار و متون کهن ادبی با رویکردهای نقد ادبی معاصر و نظریه‌های جدید علاوه بر آشکار ساختن لایه‌های پنهان و مغفول این متون، میتواند نشان دهد که آثار سترگی چون هفت پیکر نظامی تنها با هدف سرگرمی، لذت آفرینی و ارائه توانمندیهای شاعر در خلق زبان فاخر و روایت داستانی، تولید نشده بلکه دربردارنده ویژگیهای منحصر بفرد و قابل تأمل و توجهی از منظر روحی و روانی در شخصیتهای داستان است. جنبه‌های توصیف شخصیت در هفت پیکر نظامی حامل نمادهای خاصی از منظر دیدگاه‌های نوین روانشناسی از جمله مؤلفه‌های رشد شخصیت در نظریه اریک فروم است که میتواند مورد ارزیابی دقیق قرار گیرد و با نگاهی جدید تحلیل شود.

روش تفصیلی پژوهش

روش پژوهش در این مقاله توصیفی - تحلیلی و مبنای رویکرد نقد روانشناسی اریک فروم در راستای تحلیل مؤلفه‌های رشد شخصیت در قهرمان اصلی داستان هفت پیکر نظامی یعنی بهرام می‌باشد. جهت ارائه شواهد و مصادیق از متن منظومه هفت پیکر نظامی تصحیح و حید دستگردی بهره گرفته‌ایم.

پیشینه پژوهش

از نخستین اندیشمندانی که تفسیر روانشناختی از شعر و سایر متون را مد نظر قرار دادند میتوان به «کولریج»^۱ و «فروید»^۲ اشاره داشت. پس از آنها «آتورنک»^۳، «یونگ»^۴، «آدلر»^۵ و... با رویکرد روانشناسی تحلیلی، بسیاری از اشعار، داستانها، افسانه‌ها و... را ارزیابی نمودند. در ایران کتاب «نظریه‌های شخصیت» از علی اکبر سیاسی، «طیبیان جان» از بهجت‌السادات حجازی‌پوریو کتاب «روانکاوی و ادبیات: دو متن، دو انسان، دو جهان از بهرام تا راوی بوف کور» نیز از جمله این آثار است که به تحلیل آثار ادبی از دیدگاه روانشناسی پرداخته‌اند.

هفت پیکر نظامی نیز از جمله آثار و پژوهشهای چند ساحتی است که جستارها و مطالعات گوناگونی در عرصه‌های مختلف در خصوص آن صورت گرفته است که از جمله مهمترین این مطالعات در زمینه بررسیهای روانشناسانه کتابی است از «مایکل بری» با عنوان «تفسیر مایکل بری بر هفت پیکر نظامی» در سال ۲۰۰۰ میلادی متن کامل هفت پیکر نظامی را بزبان فرانسه برگرداند و شرح و تفسیر میسوطی بر این اثر نوشت. این کتاب توسط نشر نی نخستین بار در سال (۱۳۸۵) بفارسی توسط جلال علوی نیا ترجمه شده است. معین در کتاب «تحلیل هفت پیکر نظامی» به مباحثی از جمله زندگی و گاهشمار تاریخی دوران نظامی پرداخته و سپس ضمن توجه به عقاید و اندیشه‌های شاعر به تحلیل ابیاتی از این منظومه توجه نموده و در انتهای کتاب بخشی را به عنوان تصحیح و اضافه

^۱ . s.coleridge

^۲ . S. Freud

^۳ . O. rank

^۴ . c. Gjung

^۵ . A. Adler

از نسخه هفت پیکر قرار داده است. زرین کوب در کتاب «پیر گنج در جستجوی ناکجا آباد» ضمن پرداختن به شهر گنج از منظر تاریخی و قومی و زمان عصر نظامی، اندیشه را با تکیه بر دغدغه‌های عرفانی وی در مخزن الاسرار، خسرو شیرین، هفت پیکر، لیلی و مجنون و اسکندرنامه مورد تحلیل ارزیابی قرار داده است. از جمله مقاله‌هایی که با رویکرد نقد روانکاوی نوین به بحث و بررسی پیرامون هفت پیکر نظامی پرداخته است میتوان بموارد زیر اشاره نمود: شکویی ممتاز (۱۴۰۱) در مقاله‌ای با عنوان «رمزگشایی کهن الگویی داستانهای هفت پیکر نظامی با توجه به سیر بهرام برای رسیدن به مادر مثالی» با بهره‌گیری از روش نقد کهن الگویی یونگ هفت گنبد نظامی و شخصیت بهرام را مورد تحلیل ارزیابی قرار داده و نتیجه گرفته است که بر اساس نظریه کهن الگویی یونگ، بهرام حرکتی از اعماق سیاهی به روشنایی تا رسیدن به کهن الگوی مادر ازلی داشته است و در طی این سفر به فردیتیا مرحله تشریف قهرمان دست یافته است.

سرمدی و دیگران (۱۳۹۹) در مقاله «بررسی و تحلیل شخصیت بهرام در هفت پیکر نظامی بر پایه نظریه بیداری قهرمان درون» نتیجه گرفته‌اند که داستان بهرام در هفت پیکر با مراحل سه‌گانه خودشناسی از نظر پیرسون مطابقت دارد و قهرمان داستان یعنی بهرام، به کمک کهن الگوهای چون حامی، معصوم و... جهان درون خویش را می‌کاود.

بحث و بررسی

مختصری پیرامون نظریه رشد شخصیت از دیدگاه اریک فروم

اریک فروم (۱۹۰۰ - ۱۹۸۰) جامعه‌شناس و روانشناس شهیر آلمانی است که شاخصه اصلی دیدگاه وی، تحلیل و بررسی شخصیت انسان بر پایه عشق، رشد و تعالی است. برخی از برجسته‌ترین آثار وی شامل «هنر عشق ورزیدن»، «ذن، بودیسم و روانکاوی»، «فراسوی زنجیره‌های پندار» است. فروم بر این عقیده است که نوزاد از زمان تولد، بشکلی ناخودآگاه با مادر درگیر میشود یعنی از جهتی میل دارد پس از تولد و رهایی از بطن مادر که مانند زندانی او را از جهان بیرون جدا و محدود میکرد، آزادی کامل را بدست آورد و بدنبال تجربیات جدید حرکت کند، استقلال شخصیت خود را حفظ کند و اصطلاحاً روی پای خود بایستد (فروم، ۱۳۷۰: ص ۱۱۷). فروم عشق را از نمودهای تعالی میداند و رشد شخصیت را با سه مؤلفه «عشق به انسان»، «عشق به زیستن» و «عدم وابستگی» مطرح مینماید و در مقابل این سه «تمایل به مرگ»، «خودشیفتگی» و «وابستگی به مادر ازلی» را نمود تباهی میداند (ر.ک همان: ص ۱۲۱). در ساختار نظریه فروم چهار موضوع اصلی مورد توجه قرار گرفته است:

تعالی: از نظر فروم انسان موجودی متعالی است و نباید خود را بعنوان موجودی کم ارزش قلمداد نماید.

هویت‌مندی: احساس هویت در تعامل انسان و همکاریهای گروهی وی حاصل میشود.

نیاز به جهان بینی: نیاز داشتن به یک طریق ثابت و جهان بینی در درک محیط و دنیای پیرامون از نظر فروم ضروری است.

تهییج و تحریک: انسان در محیط اطراف نیاز دارد تا سطح هوشیاری و فعالیت و عمل خود را بالا ببرد و برای این کار نیاز به عامل تحرک و تهییج داریم (ر.ک فروم، ۱۳۵۷: ص ۱۰۱).

فروم نظریه سائق جنسیو لیبیدو^۱ فروید را بچالش کشید و به طرح این نکته پرداخت که مشکلات رفتاری بشر نه ریشه در امیال و غرایز جنسی، بلکه بدلیل عدم توانمندی انسان در برقراری روابط عاطفی و انسانی بمعنای واقعی است. از نظر فروم روابط انسانی زمانی بشناخت و تکامل میرسد که به عشق‌ورزی روی آورد (فروم، ۱۳۹۷: ص

^۱. Libido

۵۷). فروم در خصوص عشق معتقد است: «عشق در وهله اول بستگی به یک شخص خاص نیست، بلکه بیشتر نوعی رویه و جهتگیری منش آدمی است که او را به تمامی جهان نه به یک معشوق خاص میپیوندد. اگر انسان فقط یکی را دوست ندارد و نسبت بدیگران بی‌اعتنا باشد، پیوند او عشق نیست بلکه یک نوع خودخواهی گسترش یافته است» (همان: ص ۵۸). فروم معتقد است که انسان در صورتی که زندگی خود را قرین عشق‌ورزی نسازد احساس تنهایی میکند و این احساس تنهایی سبب قطع رابطه آدمیان و کناره‌گیری آنها از یکدیگر میشود (ر.ک سیاسی، ۱۳۷۴: ص ۱۴۹).

اریک فروم پایگاه جدیدی را در روانکاوی اجتماعی، حوزه فرهنگ و شخصیت، در قلمرو انسان‌شناسی، فلسفه، جامعه‌شناسی انتقادی و بویژه در زمینه تغییرات اجتماعی و ساخت جوامع انسان‌گرای آینده بنیانگذاری نمود» (آرون، ۱۳۷۶: ص ۳۰). فروم در پی پایه‌ریزی این جامعه برای بشریت بود که در آن، انسان به کشف مسیرهای تکامل و تعالی خویش در هستی پرداخته تا بتواند با جهتگیری درست بسوی هستی و کمال بشریت یعنی عشق گام بردارد.

از منظر علم روانشناسی شخصیت مجموعه‌ای از ویژگیهای منحصر بفرد اجتماعی، هیجانی، ذهنی و جسمانی فرد است که با گذشت ایام در وجود فرد نهادینه و تثبیت میشود و از هر فردی به فرد دیگر متمایز است (ر.ک شولتز و شولتز، ۱۳۹۲: صص ۹ - ۱۲). از نظر اریک فروم شخصیت «مجموعه کیفیتهای موروثی و اکتسابی است که خصوصیت فرد بوده و او را منحصر بفرد میکند» (فروم، ۱۳۹۰: ص ۶۶). فروم بر این اعتقاد است که شخصیت افراد در شیوه جهتگیری آنها منعکس میگردد. در حقیقت شخصیت، آن جنبه از رفتار قابل رؤیتیک فرد است که بر اطرافیان و دیگران اثرگذار است (همان: ص ۶۷). بر طبق دیدگاه فروم، عوامل زیستی، تاریخی و اجتماعی و روان فرد بسیار متأثر است. فروم این پیش فرض را مطرح میکند که جدایی انسان از طبیعت (مادر ازلی) برای او احساس انزوا و اضطراب بنیادین را در پی دارد و او برای رفع این خلع نیاز به برقراری ارتباط با دیگران دارد. «هر فردی پس از مدتی ارتباط متقابل بین نیازهای درونی و معیارهای اجتماعی خود، بنوعی منش اجتماعی یا شخصیت اجتماعی دست خواهد یافت» (همان: صص ۵۱ - ۵۴).

فروم در ارتباط با شخصیت انسان به اصل اساسی تعالی یافتن یا کسب هویت اشاره دارد گرچه مسأله هویت از مباحث بسیار مهم و چالش برانگیزی است که سالها پیش از فروم در طیف وسیعی از آراء و نظریات اندیشمندانی مانند نیچه^۱، هگل^۲ و حتی پیش از آنها بنوعی جایگزین ماهیت هستی‌شناسی انسان و حتی خدا بود. در تفکر و اندیشه سارتر^۳ هم این موضوع قرار داشت که انسان وجود خود را خلق میکند و خود خالق خویش است تا زمانی که نیچه مسأله مرگ خدا را اعلام کرد و انسان را جایگزین او ساخت (ر.ک تاجیک، ۱۳۷۹: صص ۱۶۴ - ۱۶۸). این مسأله اشاره‌ای است به حضور و اهمیت مفهوم هویت^۴ که نخستین بار در سال ۱۹۶۰م در روانشناسی فردی مطرح گردید. «هویت را باز شناسایی مرز میان خود و بیگانه دانسته‌اند و آن را از نیازهای آدمی محسوب کرده‌اند. در هویت، آدمی آگاه است که چه کسی است [هویت فردی] و میداند هم‌نوعان او چه کسانی هستند [هویت جمعی] روانشناسان و نظریه‌پردازان شخصیت، هویت را در درجه نخست امری فردی - شخصی میدانند و معتقدند هویت بویژه گیهای شخصیتی و احساسی فرد معطوف است» (گل محمدی، ۱۳۸۰: ص ۱۱). اریک فروم با تاکید بر

^۱ F. Nietzsche

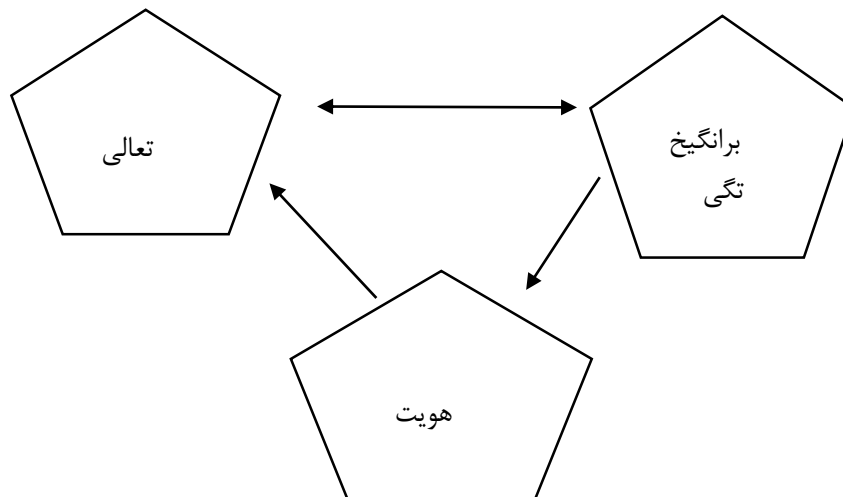
^۲ G. Hegel

^۳ J. P. Sartre

^۴ Identity

مسأله هویت و نیاز انسان و تعالی و رشد یافتن شخصیت وی میگوید: «از آنجایی که انسانها پس از جدایی از ریشه‌های اولیه خود، یعنی همان دنیای پیرامون خود که در آن رشد کرده و بدان مأنوس شده‌اند، دچار رخوت گردیده و احساس تنهایی میکنند از این رو برای پر کردن این خلأ فردی مایل است به اینکه هویت خاصی داشته باشد و میکوشد که خویشتن را دریابد و بشناسد و در عین حال میخواهد فردی باشد ممتاز و برای رسیدن به این مقام، خود را متمایز کند. آدمی بدون هویت نمیتواند سلامت عقل داشته و بهنجار باشد [و] این تهدید، انگیزش نیرومندی را برای فرد بوجود می‌آورد تا برای کسب هویت تلاش کند» (محمدی و نامدار، ۱۳۹۷: صص ۱۲۰ - ۱۲۱). ضرورت رشد شخصیت، داشتن هویت و تعالی یافتن فرد را بسوی شخصیت «ثمربخش»^۱ سوق میدهد. «شخصیت ثمربخش به معنای توانایی انسان در به کار بردن نیروهای خود و پی بردن به تواناییهای بالقوه و ذاتی خویش است و بیانگر هدف اصلی رشد انسان است. شخصیت‌های ثمربخش عمدتاً شخصیت زنده‌گرا^۲ هستند یعنی عاشق زندگی، رشد، آفریدن و ساختن و میل به زنده بودن تکامل در آنها مشهود است» (همان: صص ۱۲۱ - ۱۲۳).

نیاز روانشناختی انسان از نظر فروم



طبق این نمودار، تعالی یعنی نیاز به انجام دادن فعالیتهای خلاق که با قدرت عقل، تدبیر و اندیشه انجام میشود، در ارتباط با هویت یعنی نیاز به پرورش دادن ویژگیهای منحصر بفرد در وجود انسان است که در نهایت سبب برانگیختگی اهداف و انگیزه در وجود انسان میشود. هر سه عنصر بر طبق دیدگاه فروم با یکدیگر در ارتباط هستند و بر هم تاثیر میگذارند (ر.ک فروم، ۱۳۹۵: صص ۷۶ - ۷۹).

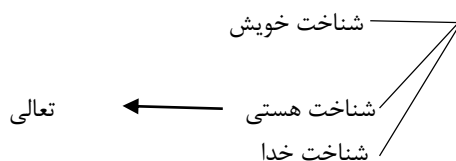
نظامی و هفت پیکر

منظومه هفت پیکر، چهارمین مثنوی از مثنویهای پنجگانه نظامی است که در آن به شرح داستان زندگی بهرام ساسانی پرداخته شده است. داستان بهرام ریشه تاریخی دارد و بنا به گزارش ثروتیان، نظامی آن را از میان داستانهای تاریخی شهریاران و نامه‌های برجامانده از آنان به زبان بخاری، طبری، دری، تازی و... گردآوری نموده است (ثروتیان،

1. Productive orientation

2. Biophilous charcter type

۱۳۸۲: ص ۲۰۵). نظامی با محوریت قرار دادن داستان بهرام و دخل و تصرفهای شاعرانه در آن مجال برای هنرنمایی و تصویرسازی ایجاد کرده است (ر.ک زرین‌کوب، ۱۳۸۴: ص ۲۰۲). هفت پیکر، منظومه‌ای است در شرح پادشاهی بهرام شاه که دستمایه نظامی برای سرودن این اثر قرار گرفته است. «نظامی زندگی بهرام را از زمان جلوس بر تخت سلطنت شرح میدهد، آنگاه از ازدواج وی با هفت دختر هفت پادشاه هفت اقلیم [و] جای دادن آنها در هفت گنبد به هفت رنگ و رفتن بهرام در هر یک از روزهای هفته به یک گنبد و مهمان یک دختر شدن سخن میراند. هر یک از دختران داستانی میسراید. پس از آن شاعر، پریشانی اوضاع مملکت به سبب غفلت بهرام از ملکداری و حمله پادشاه چین به ایران گفتگو میکند و در پایان، رفتن بهرام بدنبال گورخر به غار و ناپدید شدن او را نقل میکند» (غنی‌پور ملک‌شاه و پورشیانان، ۱۳۸۸: ص ۱۱). معین در خصوص تحلیل داستان هفت پیکر، محوریت و هسته اصلی این منظومه را هفت روایت معرفی کرده است که از سوی دختران هفت کشور از اقلیم گوناگون جهان در هفت گنبد به هفت رنگ برای بهرام بیان شده است (ر.ک معین، ۱۳۹۱: ص ۱۷) گرچه «نظامی گنجوی، بهرام اهل خوشباشیهای دنیوی را در آخر داستان، خداترس نشان میدهد که به جهان آخرت می‌اندیشد» (نوروزی و همکاران، ۱۳۹۱: ص ۱۸). نظامی در هفت پیکر رویکردی تعلیمی را برای تبیین برخی از مواضع اخلاقی مورد نظر خویش در پیش گرفته است، هر چند بظاهر این اثر از نوع ادبیات غنایی است، اما با دقت و تأمل دقیق در داستانهای این اثر و نتایج آنها، میتوان گفت نظامی رشد و تعالی انسان را بعنوان اصلیت‌ترین هدف در هفت پیکر مورد توجه قرار داده است. به اعتقاد مالینوفسکی^۱ «کارکردگرایی» یکی از جمله اصول‌ترین شیوه‌های علمی برای تعیین هویت فرهنگی است و بر این اساس هر یک از عناصر موجود در جامعه، وظیفه، نقش و کارکردی بر عهده دارند و چنانچه نتوانند در مجموعه هنر و فرهنگ جامعه، نقش خویش را بخوبی ایفا کنند یا حذف میشوند و یا تغییر شکل میدهند (ر.ک رضی، ۱۳۹۱: ص ۱۰۱). البته توجه به اینمسأله که آیا قادر خواهیم بود از ادب، شعر، داستان و هنر بمعنای کلی بمنظور تهذیب اخلاق بهره‌گیری مسابقه‌ای به درازنای تاریخ دارد و شاید بتوان ریشه‌های آن را تا منطق افلاطون و اندیشه ارسطو واکاوی نمود (ر.ک زرین‌کوب، ۱۳۷۷: ص ۱۰۵). نظامی در هفت پیکر مطابق الگویی حساب شده، سه مرحله از زندگی بهرام را بتصویر میکشد: مرحله تولد (دوران آغازین)، مرحله پادشاهی (دوران میانی)، مرحله ناپدید شدن بهرام در غار و رسیدن به تعالی و کمال (مرحله پایانی). این طرح نظامی را میتوان در نمودار زیر ترسیم نمود.



در هفت پیکر، عشق عامل تعالی و جاودانگی بهرام است اما این عشق رنگ و بوی دراماتیک و حماسی ندارد و تقریباً تمامی قسمتهای منظومه این عشق به کامیابی میرسد. مراحل رشد و تعالی بهرام در داستان هفت پیکر نظامی بطور خلاصه شامل موارد زیر است:

✓ تولد بهرام و سپردن او به نعمان

^۱. Bron islaw malinowski

^۲. Structural functionalism

- ✓ مرگ یزدگرد و بازگشت بهرام به ایران
- ✓ مبارزه با شیران تاجگذاری به عنوان شاه
- ✓ قحطی در ایران و مبارزه با خشکسالی
- ✓ لشکرکشی خاقان چین و جنگ بهرام با وی و پیروزی بر خاقان
- ✓ یاد کرد «هفت پیکر» و خواستگاری بهرام شاه از هفت شاهدخت و داستانهای آنان
- ✓ ورود به غار و ناپدید شدن

تحليل داده‌ها

از نظر فروم انسان میتواند با پرورش نیروهای انسانی خویش از ماهیت حیوانی و غریزی رهایی یافته و بر خلاف حیوانات مسیر فردیت را تا تعالی طی نماید. داستان سلوک بهرام در هفت پیکر، روایتی است از مسیر تشرّف و تعالی انسان که بازتاب‌دهنده کلیت جهان انسانی است؛ بهرام در هفت پیکر مراحل مختلفی را برای رسیدن به تعالی طی میکند. بهرام فرزند یزدگرد اول ساسانی است، یزدگرد پس از سالها انتظار و مرگ فرزندان خویش سرانجام صاحب فرزند پسری میشود که نام او را بهرام میگذارد. به رسم کهن پس از تولد فرزند طالع‌بینان و اخترشناسان به یزدگرد گفتند که کودک را به یمن برده تا در آنجا رشد کند و پرورش یابد. این نخستین مرحله در زندگی بهرام برای رفتن به سوی تعالی است. یزدگرد، بهرام را به یمن میبرد و این تبعید ناخواسته، دروازه‌ای است بسوی رشد نیروهای درونی کودک؛ بر طبق نظریه فروم هدف انسان آن است که خودش باشد و شرط رسیدن نیز در این است که انسان برای خویشتن باشد» (فروم، ۱۳۷۰: ص ۲۹). بهرام به تبعید فرستاده میشود تا رشد کند و بالنده شود و در زمان و شرایط مناسب، مهیای کسب تجارت بیشتر و بازگشت به ایران شود. بهرام در یمن نزد نعمان، پادشاه دادگر این سرزمین آموخته میشود و این حامی، پدروار به بهرام فنون جنگی و پهلوانی می‌آموزد. بهرام از همان آغاز کودکی و نوجوانی به شکار علاقه‌مند است. توان و قدرت بدنی بهرام در این دوران بصورت کامل رشد و پرورش یافته و بلوغ جسمانی او در حال تکامل است:

چون	کمند	شکار	بگرفتی	گور	زنده	هزار	بگرفتی
اگر	صد	گرفت	پشتا	کمتر	از	چار	هیچ
خون	آن	گور	کرده	که	نبودش	چهار	سال
نام	خود	داغ	کرد	داد	سرهنگی		بیابانش
			بر				
			رانش				

(ص ۶۹)

بهرام از ابتدای کودکی خود را موجودی کم ارزش و فرودست تلقی نمی‌نماید چنانکه فروم بیان میکند انسان باید از سرشت و ذات حیوانی خود بسویی بالاتر برود و هرگز خویشتن را موجودی کم ارزش تلقی ننماید. بهرام از کودکی در شکار بسیار چیره‌دست است. آغاز این تعالی با یافتن غاری است و فرجام کار بهرام نیز ناپدید شدن او در غار:

خواست	تا	پای	بر	ستور	آرد	رخش	در	صیدگاه	گور	آرد			
گور	چون	شاه	را	ندید	قرار	آمد	از	دور	و	در	خرید	به	غار
شه	دگرباره	در	گرفتن	گور	شد	در	آن	غار	تنگنای	بزور			

چون قدر مایه شد بسختی و رنج یافت گنجی و برفروخت چو گنج
(صص ۷۵ - ۷۶)

از همین نخستین ابیات هفت پیکر نظامی درباره بهرام او را شخصیتی می‌یابیم که بسوی آرمانها و آرزوهای خویش در حرکت است. جوهره اصلی بیشتر توصیفات نظامی درباره او نوعی قدرت را در وجود بهرام بتصویر میکشد، بهرام از آغاز داستان در تلاش است تا بهترین و محکمترین جنبه‌های روحی و جسمی شخصیت خود را نشان دهد:

بود بهرام روز و شب بشکار گاه بر باد و گاه باده‌گسار
بشکار و به می شتابنده در یمن چون سهیل تابنده
کرد شاه یمن ز غایت مهر حکم او را روان چه حکم سپهر
(صص ۸۰ - ۸۱)

بهرام پس از مرگ یزدگرد سوم بر تخت شاهی مینشیند و برای حکومت و پادشاهی ایده‌آل و بدور از ظلم و ستم آماده میشود؛ این مرحله از زندگی او که لازمه آن مسئولیت‌پذیری و برنامه‌ریزی برای برعهده گرفتن پادشاهی و حکومت تکامل‌یافته است، نشان از امید داشتن و رسیدن به مرحله‌ای تازه و رشد یافته و متعالی در زندگی و موجودیتیک انسان است. پس از مرگ یزدگرد، با ظلمهایی که او بر مردم ایران روا داشته بود ایرانیان حاضر نبودند از خاندان او شخصی را بعنوان پادشاه بر خود حاکم کنند؛ در این میان بهرام برای تصاحب تاج و تخت، به ایران می‌آید و پیشنهاد میدهد که تاج شاهی را در میان دو شیر قرار دهند تا هر آنکس که دلیرتر و جنگاورتر است، آن را تصاحب نماید و به پادشاهی برسد:

شیرداران دو شیر مردم خوار یله کردند بر نشانه کار
تاج زر در میان شیر سیاه چون بکام دو اژدها یک ماه
فتوی آن شد که شیردل بهرام سوی شیران کند نخست خرام
گر ستاند ز شیر تاج او راست جام زرین و تخت عاج او راست
(ص ۹۷)

نظامی در توصیف دلاوری بهرام برای تصاحب تاج از میان دو شیر درنده و آدم‌خوار چنین میگوید:

شاه بهرام از این قرار نگشت سوی شیر آمد از کناره دشت
سر صد شیر کنده بود ز یال بود عمرش هنوز بیست و دو سال
آنکه شیر از او زبون باشد او زبون دو شیر چون باشد؟!
بانگ بر زد به تند شیران زود و از میان دو شیر تاج ربود
(ص ۹۸)

نظامی شاعری روایتگر است و هنر او در روایت داستانی است که به زیبایی توصیف نموده است. از منظر نمادشناسی در روایت این داستان، دو شیر نمادی از نیروهای مخالفی است که بهرام باید بر آنها غالب شود با غلبه بر این مشکلات بهرام بر تخت مینشیند و این فرصتی است برای دستیابی او به حس مسئولیت‌پذیری و تکامل بیشتر. از دیدگاه روانشناسی فروم یزدگرد نمادی از شخصیت خودشیفته است که علاقه‌ای به برقراری ارتباط سالم با جهان پیرامون ندارد از این رو رعایا همه از ظلم و ستم او به ستوه آمده و پس از مرگش هم حاضر نیستند که شخصی از خاندان او بر تخت سلطنت بنشیند؛ اما بهرام نموداری از افراد مسئولیت‌پذیر است. «افرادی که تمام توجه‌شان متمرکز بر غیر است و ارتباطی سازنده با دیگران و جهان اطراف برقرار میکنند» (شولتز و شولتز، ۱۳۹۲: ص ۱۲۱).

هرچند انسان، بدون اراده به این دنیا می‌آید اما نیاز به تعالی و رشد، انسان را مقابله با این انفعال وا میدارد. این نیاز که بر پایه عقل و منطق است، انفعال را از انسان می‌گیرد و میل به معناسازی و آفرینش را از نظر فروم در او بوجود می‌آورد. خلاق بودن، رهبر بودن و مفید بودن، پاسخ سالم به این نیاز است (ر.ک فیست و فیست، ۱۴۰۲: ص ۳۰۱). بهرام پس از بر تخت نشستن بدنبال برقراری عدالت خطبه عدل میخواند:

بر خدا خوانم آفرین و سپاس	کافرین باد بر خدای شناس
پشت بر نعمت خدا نکنم	شکر نعمت کنم چرا نکنم
تاج برداشتن ز کام دو شیر	از خدا دانم آن نه از شمشیر
چون رسیدم به تخت و تاج بلند	کارهایی کنم خدای پسند
آن کنم گر خدای بگذارد	که ز من هیچکس نیازارد

(صص ۱۰۰ - ۹۹)

از نظر فروم، شخصیت متعالی، شخصیتی ریشه‌دار است که قصد دارد رابطه خود با انسانهای جدید و محیط پیرامونش را بخوبی بسازد (ر.ک شولتز و شولتز، ۱۳۹۲: ص ۱۳۵). از دیدگاه روانشناسی فروم شخصیت متعالی به احساس هویت نیاز دارد. اهمیت درک هویت از آن روست که سلامت عقل و روان، در گرو آگاهی انسان از خویش بعنوان فاعل اعمالش میباشد و چنانچه برای ارضای این نیاز، خلاق و مولد باشیم، قادر خواهیم بود به رشد و تعالی دست یابیم. بهرام هویت و ماهیت خویشتن را در عدالت و دادگری میداند:

کار من جز درود و داد مباد	هرکه از این شاد نیست شاد مباد
چون شه انصاف خویش کرد پدید	سجده شکر کرد هر که شنید

(ص ۱۰۰)

فروم معتقد است از نیاز به هویت، زندگی فرد را جهت میدهد، در حقیقت ساخت فلسفه زندگی انسان و معناداری آن در گرو داشتن معبودی مقدس است که انسان را بسوی آینده هدایت مینماید، چنین شخصیتی ابعاد معناداری از زندگی را تجربه میکند (ر.ک فروم، ۱۳۷۰: ص ۴۱). از اینروست که بهرام توجه به خدای را سرلوحه عدل و دادگری خویش در امور مملکت داری و حکومت میداند:

مردی کرد و مردم‌اندوزی	هیچکس را نماند بی‌روزی
------------------------	------------------------

(ص ۱۰۲)

اندکی پس از حکمرانی بهرام، آزمونی دیگر در مسیر تعالی و تشریف او پدیدار میگردد؛ خشکسالی و قحطی؛ پس از آنکه خبر قحطی و خشکسالی بهرام داده میشود به محافظت برای بقای کشور برمیخیزد. بهرام تلاش میکند تا تمام جامعه را از این بحران برهاند:

شاه چون دید قدر دانه بلند	در انبار برگشاد ز بند
سوی هر شهرنامه‌ای فرمود	که در او از ذخیره چیزی بود
تا امینان شهر جمع آیند	در انبار بسته بگشایند
جهد میکرد و گنج میپرداخت	چاره کار هر کسی میساخت

(صص ۱۰۴ - ۱۰۵)

در اینجا بهرام نمادی از سلامت ذهن و عشق ورزیدن است. فروم در توصیف این مسأله می‌گوید: «شخصیت سالم و پیش‌رونده‌آن است که دوست دارد از ماهیت حیوانی خود فراتر برود و تواناییهای خود را با درکی از واقعیتهای درونی و بیرونی و بصورت هدفمند به پیش ببرد (ر.ک فروم، ۱۳۹۵: ص ۲۰۴). از نظر فروم، انسانهای کمال‌گرا که تمایل به رشد و تعالی شخصیت دارند از مسیرهای خلاق، بارور و زایا و اهداف خود دست می‌یابند (شولتز و شولتز، ۱۳۹۲: ص ۸۱). فروم تصویر واضحی از این نوع انسان کمال‌گرا یا انسان بارور^۱ را پیش روی مخاطب قرار می‌دهد. بارور بودن به معنای بکار گرفتن تمام قدرتها و استعدادهای بالقوه خویش. در داستان بعدی یعنی لشکر کشیدن خاقان چین به ایران، بهرام نمودی از جنگاوری تمام عیار است که هم با تدبیر عقل و رای و هم با نقشه‌ای بسیار دقیق، بر این حمله ظفر یافته و پیروز می‌شود. بهرام پس از مدتی از پادشاهی، امور مملکت را به سه تن از وزرای خویش می‌سپارد و خود از مملکت داری فارغ می‌شود؛ خاقان شیر از این فرصت بهره می‌برد و به ایران حمله می‌کند اما بهرام با درایت و هوشمندی هرچه تمامتر موفق می‌شود با قدرت و توان از این مانع نیز سربلند بیرون آید. بهرام در این مرحله از مراحل رشد و تعالی، شجاعت، جنگیدن مقابله با نیروهای دشمنی، حمایت از خود و دیگران (کشور) و مهارت تدبیر و تعقل را بخوبی بدست می‌آورد:

شاه	بهرام	در	میان	مصاف	نوک	تیزش	چو	موی	موی	شکاف
تیغ	اگر	بر	زدی	بفرق	سوار	تا	کمرگه	شکافتی	چون	خیار
در	هم	افکندشان	بصدمه	تیغ	گفتی	او	باد	و	ایشان	میغ
لشکر	خویش	را	به	پیروزی	گفت	هان	روزگار	و	هان	روزی

(صص ۱۲۴ - ۱۲۶)

فروم برای یک انسان متعالی چهار ویژگی برمی‌شمارد: «عشق»، «تفکر»، «احساس خوشبختی»، «وجدان اخلاقی» (ر.ک فروم، ۱۳۹۵: صص ۸۹ - ۹۰). لازمه عشق متعالی ارتباط آزادانه با انسان‌هاست. افراد در حین ارتباط تلاش می‌کنند تا فردیتشان را از دست ندهند و با برخورداری از عشق، به خود فرصت شکوفا شدن می‌دهند. یکی از دشوارترین مراحل رشد و تعالی شخصیت، دست یافتن به عشق بارور^۲ است. بهرام در مرحله بعدی با «عشق بارور» در طی طریق کمال، رشد و تعالی مواجه است. آنگونه که از روایت نظامی در هفت پیکر بر می‌آید، بهرام پس از آنکه آیین شاهزادگی را نزد نعمان شاه می‌آموزد و به ایران باز می‌گردد تا پادشاهی را از آن خود کند، آغاز داستانهای عاشقانه او با وصلت با هفت شهبانو است که پس از آن بهرام بدنبال تکامل روحی و هویت خویش مراحلی را طی می‌کند. بلحاظ کهن الگویی، در حقیقت تمامی قهرمانان این داستان، نمادی از بخش دیگر وجود بهرام هستند تا بهرام حقیقت وجود خویش و ماهیت نهان خود را بیابد و با پرورش استعدادهای ذاتی و فطری خود در مسیر تعالی تشرّف گام بردارد. حرکت اصلی و مرکزی بهرام در داستانهای هفت پیکر، حرکتی دایره‌ای شکل در جهت یافتن هویت خویش و شناخت آن است. بهرام از هفت مرحله عبور می‌کند تا به کمال مطلوب خویش نزدیک شود و به «فردیت^۳» دست یابد. هفت گنبد بصورت هفت لایه با رنگهای متفاوت و صور مختلف، نمادی از لایه‌های عمیق روان است که از نظرگاه یونگ محمل ناخودآگاه جمعی و تجربه‌های زیستی بشری است؛ هفت مرحله‌ای که بهرام باید پشت سر بگذارد تا به تعالی دست یابد؛ در توصیف آن نظامی چنین می‌گوید:

^۱. Productive person

^۲. Productive Love

^۳ اصطلاحی در روانشناسی یونگ است برای تحقق خویش و یکپارچه شدن خودآگاه و ناخودآگاه (هال و نوردهای، ۱۳۸۱: ص ۴۹۰).
individualation .

رنگ هر گنبدی جداگانه خوشتر از رنگ صد صنم خانه
 شاه را هفت نازنین صنم است هر یکی را ز کشوری غلم است
 در چنان روزهای بزم‌افروز عیش سازد بگنبدی هر روز
 جامه همرنگ خانه در پوشد با دلارام خانه می نوشد
 (صص ۱۴۲ - ۱۴۳)

گفتیم که از نظرگاه فروم، سلامت ذهنی در گرو توانایی عشق ورزیدن است و فرد با خارج شدن از پیوندهای محدود و بسته خانواده و گذر از خویشتن خویش میتواند هویت یافته و شخصیت کمال‌یافته‌ای بیابد. هفت گنبد برای بهرام مرحله خطیری است که نوعی سفر از بخش ناخودآگاه برای شناخت خود سفری که در فصل زمستان و از گنبد نخست (گنبد سیاه) آغاز میشود و در نخستین روز بهار و نوروز، در گنبد هفتم که گنبد سپید است، کمال یافته و به تمامیت میرسد:

روز خانه نه روز بستان بود کاولین روز از زمستان بود
 شمع و قندیل و باغها مرده رخت و بنگاه و باغبان برده
 بانگ دزدید بلبلان را زاغ بانگ دزدی درآوریده به باغ
 (ص ۱۳۵)

در توصیف گنبد نخست:

گنبدی کو ز قسم کیوان بود در سیاهی چو مشک پنهان بود
 (ص ۱۴۵)

سفر از گنبدی سیاه آغاز میشود و به گنبد سفید ختم میگردد، در توصیف «نشستن بهرام روز آدینه در گنبد سپید»:

روز آدینه کاین مقرنس بید خانه را کرد از آفتاب سپید
 شاه با زیور سپید به ناز شد سوی گنبد سپید فراز
 (ص ۲۹۲)

این سفرها در گنبدهای هفت‌گانه، با هفت شهبانو که بهرام با آنان عشق می‌ورزد، هر یک نمادی از غلبه او بر یکی از کشمکشهای درونی است تا آماده سفری خطیر برای عبور از «من»^۱ به «فرامن»^۲ شود. در این گنبدها، بهرام با هفت شهبانو از هفت اقلیم به عیش و عشرت می‌پردازد. بهرام در این سفر از گنبدهای هفت‌گانه، به یاری هفت شاهدخت با قهرمانان زنان اساطیری مواجه است که هر یک برای رسیدن به مقصد غایی و نهایی او را بنوعی کمک میکنند؛ زنانی که در این هفت گنبد، بهرام هر شب را با یکی از آنان می‌گذرانند، بلحاظ کهن‌الگویی، آنیمایا بخش زنانه وجود او هستند که در نهایت بهرام را در سلوک روحی‌اش به تمامیت وجود خود و حرکت رمزی از سیاهی به روشنی هدایتگر هستند چنانکه در نهایت با ناپدید شدن بهرام در غار، نوعی استحاله او را شاهد هستیم. قهرمانان این هفت گنبد با داستانهایی که برای بهرام بازگو میکنند او را با آگاهی میرسانند، سفری از برون به درون و از درون به بیرون که سبب ساز سیر تکاملی بهرام هستند. بهرام، در این بخش در مقام جستجوگر با ورود به گنبدهای مختلف که میتوانند نمادی از بیداری کهن‌الگویی باشد، قادر است دوست داشته باشد، دوست بدارد و عشق بورزد؛

^۱. Ego

^۲. superego

آنچه که هست آن است که او در این گنبدها کاملاً در خدمت عشق است بهرام عشق را در این گنبدها تجربه میکند. بهرام گنبد هفتم (گنبد سپید) که بنظر میرسد روایت آن از عصر آغاز شده و تا سپیده دم ادامه می‌یابد آنگونه که یآوری معتقد است؛ نهایی‌ترین سفر در دایره سرنوشت بهرام است سفری که در پی کسب تعالی از سیاهی و دیدار با جنبه‌های تاریک وجود و سایه^۱ شروع شد و به آمیختگی بهرام با نور و روشنی خاتمه یافت (۱۳۶۹: ص ۹۸). در این مرحله، قصه‌ای از کنیزکی با نام بخت مطرح میشود که نمودی از رسیدن سعادت و تعالی است:

گفت نام تو چیست؟ گفتا بخت گفت جای کجاست؟ گفتا تخت
گفت اصل تو چیست؟ گفتا نور گفت چشم بد از تو؟ گفتا دور
(ص ۳۰۴)

ورود به غار و ناپدید شدن مرحله نهایی تعالی و تشریف بهرام

جستجوی هویت و رسیدن به کمال و تعالی در بهرام با پشت سر گذاشتن مراحل پیشین و سرانجام رسیدن به غایت کمال، به پایان خویش نزدیک میشود به چرخه تعالی نزدیک میشود. از دیدگاه فروم، فرد باید ماهیت خویش را بیافریند و انسان بمثابه موجودی مختار، توانایی تحول روحی و انقلاب و دگرگونی در وجود خویش را دارد از دیدگاه فروم، انسان کامل کسی است که دارای چند ویژگی باشد؛ نخست آنکه بتواند به بهترین شکل ممکن نیازهای اساسی خویش را بشناسد و آنها را برآورده نماید و بداند برای بقای حقیقی به چه چیزی نیاز دارد و مفهوم زندگی را درک نماید نیز در مسیر فهم و ادراک معانی زندگی حرکت کند و تنها در پی اهداف مادی زندگی و بقای پیکر مادی خویش نباشد این مسأله توأم با حفظ آزادی و استقلال فرد است آنکه بتواند نه تسلیم چیزی شود و نه بر چیزی سلطه پیدا کند، به عقیده فروم این «وابستگی بارور» تنها با عشق ممکن است. انسان کامل در نظر فروم میل به کمال دارد و خلاقانه در این راه گام می‌نهد. فروم بر این نکته تأکید میکند که انسان نباید برده قدرتهای بیرونی و امیال درونی خود باشد و شهوت و قدرت و... همه ابزاری در خدمت تعالی انسان است نه منکوب ساختن وی و به همین دلیل عشق را بزرگترین عنصر تشکیل‌دهنده خودانگیختگی فرد میداند (رک مصباح و محیطی اردکان، ۱۳۹۰: صص ۲۱۶ - ۲۱۹). فرجام و پایان کار بهرام از زبان نظامی در گنبد سپید (گنبد هفتم) این گونه آغاز میشود:

گفت چون هفت گنبد از می و جام آن صدا باز داد با بهرام
عقل در گنبد دماغ سرش داد از این گنبد روان خبرش
دید که این گنبد بساط نور از همه گنبیدی برآرد گرد
هفت گنبد بر آسمان بگذاشت او ره گنبیدی دگر برداشت
(ص ۳۴۹)

در پایان داستان، هفت شهبانو جای خود را به هفت موبد میدهند و گنبدهای هفتگانه به دستور وی به آتشکده تبدیل میشوند؛ آتشی که تمام ناپاکیها و پلیدیها را میسوزاند وبا قداست خود شعله‌ور میگردد. بهرام نیز بدنبال گور به سوی غاری میشتابد. غار نمادی از دنیای درون و دل است و سرانجام جسم بهرام استحاله میگردد و جز دودی از آن در آسمان چیزی باقی نمیماند و نظامی پایان این داستان را چنین توصیف میکند:

گور در غار شد روان و دلیر شاه بدنبال او گرفته چو شیر
(ص ۳۵۲)

^۱. shadow

نظامی مخاطبان خویش را در پایان این سیر و سلوک بهرام از خاک تا افلاک و رسیدن به تعالی و تشریف اینگونه اندرز میدهد:

از جهان پیش از آنکه درگذری	جان ببر تا ز مرگ جان ببری
هر عمارت که زیر افلاک است	خاک بر سر کنش که خود خاک است
زنده رفتن به دار بر هوس است	زنده بردار یک مسیح بس است
حکم هر نیک و بد که در دهر است	زهر در نوش و نوش در زهر است

(ص ۳۵۹)

بهرام با تلطیف وجود خویش در گذار از تیرگی به روشنائی در نهایت در گنبد آخر با من متعالی و من ملکوتی خویش دیدار میکند و به مرحله کمال میرسد.

نتیجه‌گیری و پایان بحث

با تحلیل و بررسی هفت پیکر نظامی و شخصیت بهرام و مبنا قرار دادن نظریه اریک فروم در خصوص رشد و تعالی شخصیت و کمال طلبی در می‌یابیم که مهمترین دلیل و هدف بهرام در هفت پیکر دستیابی به نمودی از یک انسان و پادشاه کامل است که با عدل و داد بر ایران زمین حکومت کند. این شخصیت از نظر فروم نموداری از انسان کامل است که بر پایه عشق (در ابتدا عشق به میهن و کشور) تاج شاهی را از میان دو شیر بچنگ می‌آورد و بر موانع غلبه میکند. بهرام از آغاز داستان در تلاش است تا بهترین و محکمترین جنبه‌های روحی و جسمی خویش را که نموداری از تعالی و کمال همه‌جانبه است به تصویر بکشد. در قالب شخصیتی مسئولیت‌پذیر با برنامه‌ریزی در مقابل دشمنان بایستد و بر موانع غلبه کند. نشستن بهرام بر تخت پادشاهی منطبق با دیدگاه فروم، فرصتی است برای دستیابی به حس مسئولیت‌پذیری. خلاق بودن، رهبر بودن و مفید بودن سه ویژگی اصلی بهرام در امور مملکت‌داری است. بهرام بعنوان شخصیتی ریشه‌دار و متعالی در پی ارتباط صحیح و اصولی با انسانها و دنیای پیرامون است از این رو عدالت و دادگری پیشه میکند. عشق‌ورزی او به رعایا در هنگام قحطی و خشکسالی نمودی از شخصیت کمال‌گرا و بارور اوست. داستان‌های عاشقانه بهرام با هفت شاهدخت در هفت گنبد به رنگهای مختلف از سیاه تا سپید، از زمستان تا بهار مسیری است برای خودشناسی بهرام و پرورش استعدادهای ذاتی او تا رسیدن به فردیت و کمال مطلوب. بهرام در انتها با نوعی عروج و استحاله به تمامیت میرسد و پس از تجربه عشق به سرحد کمال، در دایره سرنوشت بخش تاریک وجود خویش را در غاری می‌نهد و خود چون دودی ناپدید میشود و در چرخه تعالی بعنوان انسانی کامل منطبق با نظر فروم به کمال حقیقی دست می‌یابد.

مشارکت نویسندگان

این مقاله از رساله دوره دکتری رشته زبان و ادبیات فارسی مصوب در دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن استخراج شده است. سرکار خانم دکتر پرنوش پژوهش راهنمایی رساله را بر عهده داشته‌اند و طراح اصلی این مقاله و نویسنده مسئول بوده‌اند. سرکار خانم دکتر شهین اوجاقی عزیزاده بعنوان مشاور و دانشجو ساغر شایگان، پژوهشگران این مقاله در گردآوری و تنظیم متن نقش داشته‌اند. در نهایت تحلیل محتوای مقاله حاصل تلاش و مشارکت هر سه پژوهشگر میباشد.

تشکر و قدردانی

نویسندگان بر خود لازم میدانند مراتب تشکر خود را از گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن و مسئولین فرهیخته نشریه وزین سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب) اعلام نمایند.

تعارض منافع

نویسندگان این مقاله گواهی مینمایند که این اثر در هیچ نشریه داخلی و خارجی به چاپ نرسیده و حاصل فعالیتهای پژوهشی تمامی نویسندگان است و ایشان نسبت به انتشار آن آگاهی و رضایت دارند. این تحقیق طبق کلیه قوانین و مقررات اخلاقی اجرا شده و هیچ تخلف و تقلبی صورت نگرفته است. مسئولیت گزارش تعارض احتمالی منافع و حامیان مالی پژوهش بعهده نویسنده مسئول است و ایشان مسئولیت کلیه موارد ذکر شده را بر عهده میگیرند.

REFERENCES

- Aron. Raymond (1997). Basic Stages of Thought in Sociology. Translated by: Baqer Parham. Tehran: Scientific and Cultural Publications (Islamic Revolution Education), p. 30.
- Barry. Michael (2006). Interpretation of the Seven Figures. Translated by: Jalal Alavinia. Tehran: Nay Publishing, p. 28.
- Dehshiri. Mohammad Reza (2009). The OECD Approach to Interdisciplinary Studies. Quarterly Journal of Interdisciplinary Studies in the Humanities. Volume 2. No. 1. pp. 1-36.
- Feist. Gregory. J. and Jess (2023). Theories of Personality. Translated by Yahya Seyed Mohammadi. Twenty-fourth Edition. Tehran: Rawan Publishing House, p. 301.
- Fromm. Eric (1987). The True Face of Man. Translated by: Majid Keshavarz. Tehran: Kargar, pp.
- _____ (1991). The Human Heart and Tendency to Good and Evil. Translated by: Giti Khoshdel. Third edition. Tehran: Alborz, pp. 29-41-121-117.
- _____ (2011). Man for Himself: A Study in the Psychology of Morality. Translated by Akbar Tabrizi. Fifth Edition. Tehran: Bahjat, pp. 66-67-54-51.
- _____ (2016). Healthy Society. Translated by Akbar Tabrizi. Eighth Edition. Tehran: Bahjat, pp. 76-79-89-90. 204
- _____ (2018). The Art of Loving. Translated by Pouri Soltani. Thirty-third Edition. Tehran: Morvarid, pp. 57-58.
- Ghanipour Malekshah. Ahmad and Pourshabanan. Ali Reza (1388). Adaptation and Dramatic Aspects of Haft Peykar Nizami. Stylistics of Persian Poetry and Prose (Bahar Adab). Second Year. Second Issue. pp. 7-24.
- Golmohammadi. Ahmad (2001). Globalization and Identity Crisis. Quarterly Journal of National Studies. Third Year. Issue 10. pp. 4-11.
- Hall. Calvin and Nordby. Vernon. J. (2002). Fundamentals of Jungian Analytical Psychology. Translated by: Mohammad Hossein Moqbel. Tehran: Jihad Daneshgahi, p. 90.
- Mesbah. Ali and Mohiti Ardakani. Mohamad Ali (2011). Investigating the anthropological foundations of Erich Fromm's views. Philosophical Knowledge. Year 8. Issue 3. pp. 195-226.

Moein. Mohammad (2012). Analysis of the Seven Figures of Nezami. Tehran: Tehran University Press, p. 17.

Mohammadi. Mostafa and Namdar. Lida (2018). Identifying the dimensions of personality from Erich Fromm's perspective (an interdisciplinary study to understand the network relationship between culture and society). Behavioral Studies in Management. Year 9. Issue 17. pp. 115-129.

فهرست منابع فارسی

آرون. ریمون (۱۳۷۶). مراحل اساسی اندیشه در جامعه شناسی. ترجمه: باقر پرهام. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی (آموزش انقلاب اسلامی)، ص ۳۰.

بری. مایکل (۱۳۸۵). تفسیر هفت پیکر. ترجمه: جلال علوی نیا. تهران: نشر نی، ص ۲۸.

تاجیک. محمدرضا (۱۳۷۹). روشنفکر ایرانی و معمای هویت ملی. فصلنامه مطالعات ملی. شماره ۵. صص ۱۵۹ - ۱۷۶. ثروتیان. بهروز (۱۳۸۲). اندیشه‌های نظامی گنجوی. تبریز: آیدین، ص ۲۰۵.

دهشیری. محمدرضا (۱۳۸۸). رویکرد سازمان همکاری و توسعه اقتصادی بمطالعات میان رشته‌ای. فصلنامه مطالعات میان رشته‌ای در علوم انسانی. دوره دوم. شماره ۱. صص ۱ - ۳۶.

رضی. احمد (۱۳۹۱). کارکردهای تعلیمی ادبیات فارسی. پژوهشنامه ادبیات تعلیمی. سال ۱۴. شماره ۱۵. صص ۹۷ - ۱۲۰.

زرین کوب. عبدالحسین (۱۳۷۷). تاریخ ایران باستان. تهران: سمت، ص ۱۰۵.

_____ (۱۳۸۴). پیر گنجه در جستجوی ناکجا آباد. تهران: سخن، ص ۲۰۲.

سپهدار. سمیه و دیگران (۱۴۰۲). تحلیل و بررسی مؤلفه‌های هوش معنوی در منتخب آثار داستانی کودک و نوجوان دهه ۷۰ تا ۹۰ خورشیدی بر اساس سبک فکری متن بر پایه نظریه‌های مونز، ژهر و مارشال. نشریه سبک شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب).

سیاسی. علی اکبر (۱۳۷۴). نظریه‌های شخصیت. تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ص ۱۴۹.

شاه حسینی. ناصرالدین (۱۳۵۰). جریانهای بزرگ فکری و اجتماعی ایران و اثر آن بر شعر فارسی زبان و ادبیات دانشکده ادبیات علوم انسانی دانشگاه تهران. شماره ۲. پیاپی ۷۶. صص ۱۵۱ - ۱۶۶.

شولتز. دوان پی و شولتز. سیدنی. آلن (۱۳۹۲). نظریه‌های شخصیت. ترجمه: یحیی سید محمدی. چاپ بیست و پنجم. تهران: ویرایش، صص ۹ - ۱۲ - ۱۲۱ - ۱۳۵ - ۸۱.

غنی پور ملک‌شاه. احمد و پورشبانان. علیرضا (۱۳۸۸). وجوه اقتباسی و نمایشی هفت پیکر نظامی. سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب). سال دوم. شماره دوم. ثصص ۷ - ۲۴.

فروم. اریک (۱۳۵۷). سیمای راستین انسان. ترجمه: مجید کشاورز. تهران: کارگر، ص ۱۰۱.

_____ (۱۳۷۰). دل آدمی و گرایش به خیر و شر. ترجمه: گیتی خوشدل. چاپ سوم. تهران: البرز، صص ۲۹ - ۴۱ - ۱۱۷ - ۱۲۱.

_____ (۱۳۹۰). انسان برای خویشتن: پژوهشی در روانشناسی اخلاق. ترجمه: اکبر تبریزی. چاپ پنجم. تهران: بهجت، صص ۶۶ - ۶۷ - ۵۴ - ۵۱.

_____ (۱۳۹۵). جامعه سالم. ترجمه: اکبر تبریزی. چاپ هشتم. تهران: بهجت، صص ۷۶ - ۷۹ - ۸۹ - ۹۰ - ۲۰۴.

_____ (۱۳۹۷). هنر عشق ورزیدن. ترجمه: پوری سلطانی. چاپ سی و سوم. تهران: مروارید، صص ۵۷ - ۵۸.

فیست. گریگوری. جیو جس (۱۴۰۲). نظریه‌های شخصیت. ترجمه: یحیی سید محمدی. چاپ بیست و چهارم. تهران: نشر روان، ص ۳۰۱.

گل محمدی. احمد (۱۳۸۰). جهانی شدن و بحران هویت. فصلنامه مطالعات ملی. سال سوم. شماره ۱۰. صص ۴ - ۱۱. محمدی. مصطفی و نامدار. لیدا (۱۳۹۷). شناسایی ابعاد شخصیت از دیدگاه اریک فروم (مطالعه‌ای بین رشته‌ای بمنظور شناخت ارتباط شبکه‌ای بین فرهنگ و اجتماع). مطالعات رفتاری در مدیریت. سال نهم. شماره هفدهم. صص ۱۱۵ - ۱۲۹.

مصباح. علی و محیطی اردکانی. محمدعلی (۱۳۹۰). بررسی مبانی انسان شناختی دیدگاه‌های اریک فروم. معرفت فلسفی. سال هشتم. شماره سوم. صص ۱۹۵ - ۲۲۶.

معین. محمد (۱۳۹۱). تحلیل هفت پیکر نظامی. تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ص ۱۷. نظامی. الیاس بن یوسف (۱۳۱۵). هفت پیکر. تصحیح: حسن وحید دستگردی. تهران: ارمغان. نوروزی. زینب و همکاران (۱۳۹۱). بررسی شخصیت بهرام در هفت پیکر با توجه به نظریه مزلو. متن‌شناسی ادبی. دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه اصفهان. دوره جدید. سال چهارم. شماره ۴. صص ۱۷ - ۳۲. هال. کالوین و نورد بای. ورنون. جی (۱۳۸۱). مبانی روانشناسی تحلیلی‌یونگ. ترجمه: محمد حسین مقبل. تهران: جهاد دانشگاهی، ص ۹۰.

یاوری. حورا (۱۳۹۶). روانکاوی و ادبیات: دو متن، دو انسان، دو جهان از بهرام تا رویوف کور. چاپ دوم. تهران: سخن. ص ۹۸.

معرفی نویسندگان

ساغر شایگان: دانشجوی دکتری گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد رودهن، دانشگاه آزاد اسلامی، رودهن، ایران.

(Email: s.shayegan@iaui.ac.ir)

(ORCID: 0009-0007-5243-4934)

پرنوش پژوهش: استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد رودهن، دانشگاه آزاد اسلامی، رودهن، ایران.

(Email: pajouheshp@riaui.ac.ir : نویسنده مسئول)

(ORCID: 0000-0003-2629-7191)

شهین اوجاق‌علیزاده: استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد رودهن، دانشگاه آزاد اسلامی، رودهن، ایران.

(Email: alizade@riaui.ac.ir)

(ORCID: 0000-0002-3421-546x)

COPYRIGHTS

©2021 The author(s). This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution (CC BY 4.0), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, as long as the original authors and source are cited.

Introducing the authors

Saghar Shaygan: PhD student in the Department of Persian Language and Literature, Roudehen Branch, Islamic Azad University, Roudehen, Iran.

(Email: s.shayegan@iaui.ac.ir)

(ORCID: 0009-0007-5243-4934)

Parnoosh Pajouhesh Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, Roudehen Branch, Islamic Azad University, Roudehen, Iran.

(Email: pajouheshp@riaui.ac.ir : Responsible author)

(ORCID: 0000-0003-2629-7191)

Shahin Ojag Alizadeh: Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, Roudehen Branch, Islamic Azad University, Roudehen, Iran.

(Email: alizade@riaui.ac.ir)

(ORCID: 0000-0002-3421-546x)